

در مدار مهر

در قالب حقیقت، زیبایی، خیر

سریو نظری

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۸۵۰-۵-۲

شماره کتابشناسی ملی: ۴۱۹۳۹۱۶

عنوان و نام بده‌آور: در مدار مهر (در طلب حقیقت، زیبایی،

خیر)/صدیق قطبی

مشخصات نشر: تهران: افق علم، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۱۸۴ص؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ م.م.

یادداشت: کتابنامه

موضوع: حقیقت -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام

موضوع: راه و رسم زندگی (اسلام)

رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۲۶۸

رده‌بندی کنگره: BP۲۱۶/۱۵:۴۱۳۹۵

میراث‌نامه: قطبی‌راده، سید محمد صدیق، ۱۳۶۳-

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

شناختنامه کتاب

نام کتاب: در مدار مهر

مؤلف: صدیق قطبی

ناشر: افق علم

طراح جلد: میثم خورری

صفحه‌آرا: سارا حسینی

سال چاپ: ۱۳۹۵

چاپ و صحافی: گنجیای حضور

نوبت چاپ: اول

تیراژ: ۲۰۰۰

قیمت: ۶۵۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۸۵۰-۵-۲

تهران-خیابان کارگر شمالی-روبروی مرکز قلب تهران-

خیابان دانش ثانی-تقاطع صالحی-پلاک ۳۶-طبقه اول

تلفن: ۸۸۳۵۰۹۴۵-کدپستی: ۱۴۱۳۹۱۳۱۴۴

Email: ofogheelm@yahoo.com

فهرست

- در آید؛ بنگ که چه می‌ورزی ۱۱
- در طلب حقیقت ۱۷
- پی آواز حقیقت بدویم ۱۸
- خلق را تقلیدشان بر باد ۲۱
- خشم و شهوت مرد را احوال کنند ۲۵
- جرات اندیشیدن داشته باش ۲۹
- از زبانه‌ها رو مگردان، که پاره‌های حقیقت اند ۳۲
- هر که گوید جمله باطل او شقی است ۳۴
- پرسیدن مهم‌تر از پاسخ دادن است ۳۹
- مرا با حقیقت بیازار؛ اما هرگز با دروغ آرامم نکن ۴۰
- شنیدن دگر آموز ۴۱
- با دیگران مدارا ۴۲
- عدو شود سبب خیر ۴۴
- ندانی و نخواهی بدانی که ندانی ۸۴
- دلایل قوی باید و معنوی ۵۰
- همه چیز را همگان دانند! ۵۰
- جدل با سخن حق نکنیم!

- ۵۱..... بال و بر خویش گشودن آموز.
- ۵۴..... برحق باشم یا برحق بوده باشم؟
- ۵۸..... یک پنجره برای دیدن.....
- ۶۰..... هاتوا برهائکم.....
- ۶۳..... زندگی نیازموده، ارزش زیستن ندارد.....
- ۶۴..... حقیقت نجات می‌بخشد.....
- ۶۷..... ارجاعات.....

در طلب زیبایی

- ۷۵..... خدا، زیبایی است.....
- ۷۸..... آه، بهتر د شو.....
- ۸۱..... اگر گر و غر بر مینگیز.....
- ۸۴..... اگر در دهی جئون نشینی.....
- ۸۷..... اجاق شقایق مرا بیم کر.....
- ۹۰..... چشم‌ها را باید شست.....
- ۹۲..... در انتهای خارهای کاسوس.....
- ۹۴..... فرصت، کوتاه است.....
- ۹۷..... ارجاعات.....

در طلب خیر

- ۱۰۱..... گرت ز دست بر آید چو نخل باش کریم.....
- ۱۰۲..... مبارک باشیم.....
- ۱۰۵..... من به این لحظه چه هدیه خواهم داد.....
- ۱۰۷..... حتی سگی تشنه.....
- ۱۱۱..... خیرخواهی و طهارت جان.....
- ۱۱۶..... شادم از زندگی خویش که کاری کردم.....

- مهر می‌ورزیم، پس هستیم! ۱۱۸
- چنان‌که مادری تنها فرزندش را ۱۲۰
- برادر خورشید، خواهر ماه ۱۲۳
- چگونه دیگران را دوست بداریم؟ ۱۳۰
- نیک‌خواهی و خوش‌قلبی ۱۳۶
- می‌شود دشمنان را دوست داشت؟ ۱۳۸
- سفقت عارفانه ۱۵۴
- چو اسیر هست اکنون، به اسیر کن مدارا ۱۵۷
- دیر عشق ۱۶۲
- طریقت به چه خدمت خلق نیست ۱۷۴
- ارجاعات ۱۷۸

در آمد

بنگر که چه می‌ورزی!

بر هر چه می‌ارزی، می‌دان که همان ارزی
زین روی دل عاشق، از عرش فزون باشد

غزلیات شمس

خواجه عبدالله انصاری گفته است: «بنگر که چه
می‌ورزی، همان ارزی که می‌ویش.»

ارج و قدر هر انسانی براساس مطلوب هاست او
سنجیده می‌شود؛ براساس این که پویش و جودایی
به چه سمت و سویی است و کدام قبله و آرمانی
دنبال می‌کنیم. به قول مولانا:

گر در طلب منزل جانی، جانی
گر در طلب لقمه‌ی نانی، نانی

این نکته‌ی رمز اگر بدانی، دانی
هر چیز که در جستن آنی، آنی!

غزلیات شمس

منگر اندر نقش زشت و خوب خویش
بنگر اندر عشق و در مطلوب خویش
منگر آنک تو حقیری یا ضعیف
بنگر اندر همت خود ای شریف

مثنوی، دفتر سوم

می‌گوید:

هر که به جدّ تمام در هوس ماست، ماست
هر که چرسی روان در طلبِ جوست، جوست

غزلیات شمس

هر چه مطلوب‌های ما با تدرو قیمت‌تر، ارزندگی
وجود و غنای روح ما بیشتر

گر در دل تو گُل گذر کُل شی
ور بُلبل بی‌قرار، بلبَلِ باس

عبدالرحمان جامی

می‌توان فشرده‌ی آموزه‌ها و رهیافت‌های پیام‌ها و
فرزانگان معنوی را در این خلاصه کرد که جملگی،
آدمیان را به پی‌جویی و طلب «حقیقت، زیبایی و
خیر» ترغیب و دل‌گرم می‌کردند. مهم‌ترین توصیه‌ی

آموزگاران معنوی این است که بکوشید حظ و بهره‌ی بیشتری از حقیقت، زیبایی و خیر ببرید و درون‌تان را از این سه کیمیای سعادت، آباد کنید.

عشق به حقیقت و زیبایی و خیر، می‌تواند درونی معنوی و آباد و دنیایی دلپذیرتر و صلح‌آمیزتر به ما ارزانی کند.

با عشق به حقیقت و طلب صادقانه و مجدانه‌ی آن، بی‌دخالیت ندادن دلبستگی‌ها و عواطف در ارزیابی باورها، آبر تو بهی به گوینده و تاریخ و جغرافیای سخن هنگام پذیرش یا طرد آن، باورهای خرافی و نامدلل و بی‌پایه را از ذهن خود می‌تارانیم و وجودی آگاه‌تر و روشن‌تر خواهیم یافت.

با شستن غبار عادت و کهن‌بینی و دستیابی به نگاهی عاشقانه و از سر محبت و نیر در هر بین سکوت و مراقبه و آهستگی، زیبایی‌های زندگی را در می‌یابیم و درونمان را از آن لبریز می‌کنیم.

با خیرخواهی و نیک‌رفتاری، به جهانی آباد و درونی معنا یافته‌تر دست می‌یابیم. می‌دانیم که زمینه‌های خیر فراوان است و در هر مقام و موقعیتی که باشیم، می‌توانیم منشأ خیر قرار بگیریم. همیشه به حال درختان پرمیوه غبطه می‌خوریم و از درخت الگو می‌گیریم که خیررسان و مبارک باشیم. می‌دانیم

که خیرخواه بودن و رفتارهای نیک، اول از همه به سود خود ماست و درون ما را مینوی و بهشت آیین می‌کند و می‌دانیم که تعالی روحی و غنای معنوی مرهون دست شستن از داشته‌هایی است که بسیار دوستشان می‌داریم. به دیگران می‌بخشیم و معنا و رضایت باطن و زلالی دریافت می‌کنیم.

سقراط در بیانی شورآمیز و آکنده از روشنی که در روز حاکمه، خطاب به مردم آتن دارد می‌گوید: «آیا اگر من نمی‌شوی که فقط به انداختن ثروت می‌اندیشی و ای به دست آوردن مقام می‌کوشی و هیچ توجهی به حقیقت و فرزاندگی و روح و تکامل آن نداری؟ اگر کسی از میان شما بگوید به تمام این‌ها توجه دارد و باطن مرا می‌خواهد، بلافاصله او را باور نخواهم کرد، رهایش نمی‌کنم اما از او پرسش می‌کنم، او را می‌آزمایم او را مشوش می‌کنم و اگر دریافتم پاکدامن نیست و خطا نقش آن را بازی می‌کند، آن‌گاه کاری می‌کنم تا او را این اندازه به چیزهای بسیار باارزش بهای کمی داده و به چیزهایی که اصلاً ارزشی نداشته‌اند این همه بستگی پیدا کرده، شرمسار شود.»^[۲]

روح ما با «حقیقت»، «زیبایی» و «خیر» است که سیراب می‌شود و راستی چه سود اگر روح خود را

بیازیم و در مقابل، دنیا را سراسر به کف آریم؟ مسیح می گفت:

«آدمی را چه سود که دنیا را سراسر به کف آرد
اگر جان خویش از میان بردارد؟»^{۱۳۱}